

سوالات فصل دهم: باب اصول عملیه

۱. از ملاک های تشخیص مدعی از مُنکر، مخالفت و یا موافقت اظهارات ایشان با اصل است. مقصود از این اصل چیست؟

(۱) اصل عدم (۲) اصل براءت

(۳) اصل استصحاب (۴) اصل جاری در مورد دعوی و بر حسب مورد

فصل اوّل: براءت

۲. جواز تصرف انسان در اشیاء، ناشی از اصاله است.

(۱) الحلیه (۲) الاباحه (۳) الصّحه (۴) الاطلاق

۳. شبهه حکمیه چیست؟ آن است که حکم شرع یا قانون

(۱) نسبت به موضوعی کلی، اشتباه و نادرست دریافت شده باشد.

(۲) نسبت به موضوعی کلی، معلوم نباشد.

(۳) در مورد یکی از مصادیق موضوع، محل تردید قرار گیرد.

(۴) نسبت به موضوعی، مشابه حکم موضوع دیگری باشد.

۴. شک در اصل تکلیف را شبهه می نامند.

(۱) تحریمیه (۲) حکمیه (۳) مصداقیه (۴) موضوعیه

۵. اصل براءت در صورتی جاری می شود که:

(۱) در مورد تکلیف، شک و تردید وجود داشته باشد.

(۲) مورد تکلیف مردد میان اقل و اکثر باشد.

(۳) دلیل و آماره ای مکلف را از تردید خارج نکند.

(۴) تردید در توجه تکلیف به مکلف باشد.

۶. مجرای اصل براءت، جایی است که مکلف دچار تردید و شک شده باشد.

(۱) در توجه تکلیف شرعی یا قانونی به خود

(۲) در مورد تکلیف «مکلف به»

(۳) بین وجوب و حرمت چیزی

(۴) نسبت به سقوط تکلیف شرعی یا قانونی خود

۷. در صورت شک در توجه تکلیف به مکلف، چه اصل یا اصولی جاری است؟

(۱) اصله الاشتغال و لزوم عمل به احتیاط

(۲) اصله البرائه در شبهات وجوبیه و اصله الاشتغال در شبهات تحریمی

(۳) عکس پاسخ ۳

(۴) اصله البرائه در هر دو نوع شبهه

۸. هرگاه شک ابتدایی، بدون علم اجمالی و فاقد حالت سابقه باشد، چه اصلی را باید جاری ساخت؟

(۱) احتیاط (۲) استصحاب (۳) برائت (۴) تخییر

۹. اصل برائت در چه موردی جاری می شود؟

(۱) در شبهات موضوعیه (۲) در دوران امر بین وجوب و حرمت

(۳) در شک در توجه تکلیف (۴) در تردید در مکلف به

۱۰. در خصوص «اصله البرائه» و «اصله الاباحه»، کدام مورد صحیح است؟

(۱) هر دو، در شبهات تحریمی و وجوبی جاری می شوند.

(۲) هر دو، بیانگر حکم ظاهری هستند،

(۳) اولی، در شبهات تحریمی و وجوبی و دومی، در شبهات وجوبی جاری می شود.

(۴) اولی، مفید حکم ظاهری و دومی، بیانگر حکم واقعی است.

۱۱. کدام مورد در خصوص اصله الاباحه، صحیح است؟

(۱) بیانگر حکم ظاهری است و فقط در شبهات تحریمی جاری است.

(۲) بیانگر حکم واقعی است و فقط در شبهات تحریمی جاری است.

(۳) بیانگر حکم واقعی است و در شبهات تحریمی و وجوبی جاری است.

(۴) بیانگر حکم ظاهری است و در شبهات تحریمی و وجوبی جاری است.

۱۲. در تعارض میان قاعده «قبح عقاب بلا بیان» و قاعده «لزوم دفع ضرر محتمل» حکم

تعارض چیست؟

(۱) هر دو قاعده، تساقط پیدا میکنند.

(۲) قاعده قبح عقاب بلا بیان حاکم بر قاعده لزوم دفع ضرر محتمل است.

(۳) قاعده قبح عقاب بلا بیان مخیر قاعده لزوم دفع ضرر محتمل است.

(۴) قاعده قبح عقاب بلا بیان وارد بر قاعده لزوم دفع ضرر محتمل است.

۱۳. در کدام مورد، اصل برائت به معنای برائت از تکلیف است؟

- (۱) تردید در انتساب جرم به متهم.
- (۲) تردید در قلمرو مفهومی جرم.
- (۳) تردید در میزان مجازات.
- (۴) تردید در ثبوت ضمان قهری.

۱۴. اختلاف نظر اخباریان و اصولیان، مربوط به کدام مورد است؟

- (۱) شبهات حکمی و موضوعی تحریمی.
- (۲) شبهات حکمی تحریمی.
- (۳) شبهات حکمی تحریمی و وجوبی.
- (۴) شبهات حکمی وجوبی.

فصل دوم: اصل تخییر

۱۵. در دوران امر بین محذورین، کدام اصل جاری است؟

- (۱) اصل برائت
 - (۲) اصل احتیاط
 - (۳) اصل تخییر و مکلف ناچار باید یکی از دو حکم را انتخاب کند.
 - (۴) هیچ اصلی حاکم نیست بلکه تخییر، تکوینی و اجتناب ناپذیر است.
۱۶. در صورت علم اجمالی به وجوب یا حرمت عملی، تکلیف چیست؟

- (۱) اصل عدم وجوب و اصل عدم حرمت جاری می گردد.
- (۲) احتمال حرمت بر احتمال وجوب رجحان دارد.
- (۳) با وجود این علم اجمالی، احتمال وجوب و احتمال حرمت، تعارض و تساقط می کنند.
- (۴) با وجود این علم اجمالی هیچ اصلی قابل اجرا نیست بلکه تخییر تکوینی بر مورد حاکم است.

۱۷. اصل تخییر، در کدام مورد جاری است؟

- (۱) افراد واجب مخیر
- (۲) دو دلیل متعارض
- (۳) دو حکم متزاحم
- (۴) دوران بین محذورین

فصل سوم: اصل احتیاط اشتغال

۱۸. در مورد شک در «مکلف به» چه اصلی حاکم است؟

- (۱) اصل برائت
- (۲) اصل اشتغال
- (۳) لزوم توقف و رجوع به قرائن و مرجحات
- (۴) اصل برائت در شبهات غیرمحصوره و اصل اشتغال در شبهات محصوره

۱۹. شبهات محصوره کدامند و در مورد آنها چه اصلی جاری است؟ شبهاتی هستند که ...

(۱) مکلف به یکی از چند مورد ممنوعیت، آگاه است و اصل اشتغال در این مورد حاکم است.

(۲) مکلف، قادر بر انجام تمام تکلیف نیست و اصل تخییر، حاکم بر وضع اوست.

(۳) مورد تکلیف، میان امور متباین محدود، قرار دارد و اصل احتیاط در این مورد جاری است.

(۴) مکلف نسبت به وجوب و حرمت عملی در تردید است و اصل احتیاط در آنها جاری است.

۲۰. علم اجمالی، منجز است؟

(۱) اصلاً منجز نیست.

(۲) در شبهات محصوره، منجز است.

(۳) در همه موارد، منجز است.

(۴) در دوران مکلف به میان اقل و اکثر ارتباطی، منجز است.

۲۱. در نزاعی جمعی قتلی واقع شده است، تعداد شرکت کنندگان در نزاع معلوم است ولی بین

آنها قاتل شناخته نمی شود در این صورت مساله مشمول:

(۱) شبهه محصوره است. (۲) شبهه غیرمحصوره است. (۳) شبهه حکمیه است. (۴) شبهه وجوبیه است.

۲۲. شخصی با شلیک یک گلوله در نزاع دسته جمعی به قتل رسیده است تردید درباره اینکه

قتل توسط کدام یک از دارندگان سلاح گرم انجام شده:

(۱) شبهه غیرمحصوره است. (۲) شبهه موضوعیه است. (۳) شبهه مصداقیه است. (۴) شبهه محصوره

است.

۲۳. در صورت تردید در مبلغ دین، چه اصلی جاری است؟

(۱) استصحاب بقای دین و لزوم پرداخت اکثر (۲) اشتغال ذمه و لزوم پرداخت اکثر

(۳) لزوم پرداخت اقل و اجرای اصل برائت نسبت به مازاد (۴) تخییر در انتخاب مبلغ کمتر و مبلغ بیشتر

۲۴. هرگاه میان متعاملین در مبلغ ثمن، اختلاف باشد نظر کدام یک مقدم است؟

(۱) اختلاف متعاملین در مبلغ ثمن به مجهول شدن ثمن و به بطلان معامله می انجامد.

(۲) با توجه به اصل برائت ذمه مشتری نسبت به مبلغ زائد، نظر وی مقدم خواهد بود.

(۳) نظر بایع مقدم است زیرا عدم توجه به گفته وی رضایت معاطی را مخدوش می سازد.

(۴) نظر هیچ یک تقدم ندارد و قاضی باید واقعیت را از طرف دیگر کشف کند.

۲۵. هرگاه طلبکار مبلغی بیش از آنچه مورد قبول بدهکار است مطالبه کند مسأله از لحاظ

جریان اصول چه می شود؟

(۱) اصول در یک مسأله متعارض بوده و مشکل باید با مصالحه طرفین حل و فصل گردد.

(۲) بدهکار مکلف به پرداخت قدر متیقن دین بوده و نسبت به زائد، اصل برائت حاکم است.

(۳) برطبق اصل اشتغال، بدهکار باید کاری کند که اشتغال ذمه یقینی او به برائت ذمه مبدل گردد.

(۴) در صورتی که ادعای طلبکار از مقوله شبهه محصوره باشد باید مبلغ زائد پرداخت شود.

۲۶. هرگاه مشتری مدعی شود که مبیع، زمینی با متراژ دویست متر مربع بوده و بایع ادعا کند

که زمین مورد معامله یکصد متر مربع می باشد مسأله از لحاظ جریان اصول عملیه چه می شود؟

(۱) اصاله العدم، ادعای هر دو طرف را نفی می کند.

(۲) اصاله الاشتغال (اشتغال ذمه یقینی برائت یقینی می طلبد) بایع را به داد حداکثر الزام می کند.

(۳) با وجود قدر متیقن در مبیع، اصل برائت ذمه بایع از دادن مابه التفاوت به مشتری است.

(۴) مسأله از مصادیق تداعی است و هریک هم مدعی و هم منکر است.

۲۷. اگر کسی اقرار به دین نماید ولی ادعا کند آنرا پرداخته است:

(۱) ادعای او به استناد اصل صحت پذیرفته می شود.

(۲) با توجه به اصل عدم نباید او را بدهکار دانست.

(۳) با توجه به اصل اشتغال بایستی حکم بر بدهکار بودن وی نمود.

(۴) عدالت حکم می کند ادعای وی نیز همانند اقرار وی پذیرفته شود.

۲۸. هرگاه مطلقه بعد از عده شوهر کند و پس از ده ماه از نزدیکی با شوهر اوّل و شش ماه از

نزدیکی با شوهر دوم فرزندی بیاورد، این فرزند محلق به کدام شوهر شناخته می شود؟

(۱) با توجه به حداکثر مدت حمل که احتیاطاً ده ماه دانسته شده، فرزند ملحق به شوهر اوّل است.

(۲) با توجه به حداقل مدت حمل که شش ماه دانسته شده، فرزند به شوهر دوم ملحق می شود.

(۳) تعارض احتیاط در حداکثر و حداقل مدت حمل، موجب تساقط آن دو و رجوع به قاعده فراش می گردد.

(۴) با تعارض احتیاط در حداکثر و حداقل مدت حمل، الحاق فرزند به هیچ یک ممکن نیست.

۲۹. کدام اصل در علم اجمالی جاری است؟

(۱) احتیاط (۲) استصحاب (۳) برائت (۴) عدم

۳۰. شخصی می‌داند مبلغ دو میلیون تومان بدهکار است، ولی نمی‌داند باید این مبلغ را به «الف» بدهد یا «ب»، بنابر حل مسئله با تکیه بر اصول عملی، نوع شبهه و اصل جاری در این مورد، کدام است؟

- (۱) «شبهه میان متباینین - شبهه موضوعیه» - اصل احتیاط
 - (۲) «شبهه میان متباینین - شبهه حکمیه» - اصل تخییر
 - (۳) «شبهه میان اقل و اکثر استقلالی - شبهه موضوعیه» - اصل احتیاط
 - (۴) «شبهه میان اقل و اکثر استقلالی - شبهه حکمیه» - اصل تخییر
۳۱. هرگاه دادرس در خصوص پرونده‌ای تردید داشته باشد که این رسیدگی به آن، در قلمرو صلاحیت قضائی او است یا رسیدگی به آن، ممنوع است و در قلمرو صلاحیت او نیست، این امر، مصداق کدام مورد است؟

- (۱) دوران امر میان متباینین و لزوم احتیاط
 - (۲) دوران امر میان محذورین
 - (۳) شبهه تحریمی‌ناشی از فقدان نص و لزوم احتیاط
 - (۴) شک در مکلف به و اجرای اصل براءت
۳۲. در کدام یک از موارد زیر، احتیاط لازم است؟
- (۱) بعضی از اطراف علم اجمالی، از ابتدا مورد ابتلای مکلف نباشد.
 - (۲) علم اجمالی، به علم تفصیلی به تکلیف و شک بدوی تجزیه شود.
 - (۳) بعضی از اطراف علم اجمالی، از ابتلای مکلف خارج شود.
 - (۴) ارتکاب یکی از اطراف علم اجمالی، از باب اضطرار لازم باشد.
۳۳. بنا به نظر مشهور اصولیان در شبهات محصوره و غیر محصوره، به ترتیب کدام اصل جاری است؟

- (۱) احتیاط براءت
 - (۲) براءت احتیاط
 - (۳) براءت براءت
 - (۴) احتیاط احتیاط
۳۴. در مقایسه میان «تخییر در واجب تخییری» و «تخییر به عنوان اصل عملی»، کدام مورد صحیح است؟

- (۱) اولی، یک حکم ظاهری عقلی و شرعی است ولی دومی، یک حکم ظاهری عقلی است.
- (۲) اولی، یک حکم واقعی شرعی است، ولی دومی، یک حکم ظاهری عقلی یا شرعی است.
- (۳) تخییر در هر دو، صرفاً یک حکم واقعی عقلی یا شرعی است.
- (۴) تخییر در هر دو، صرفاً یک حکم ظاهری عقلی یا شرعی است.

۳۵. در ماده ۶۹۹ قانون مجازات اسلامی، قانونگذار برای جرم تهدید به قتل، مجازات شلاق یا زندان تعیین کرده است. اختیار قاضی در انتخاب یکی از این دو، مبتنی بر کدام نوع از تخیر است؟

- (الف) تخیر بین دو حکم متزاحم
(ب) تخیر بین افراد واجب تخیری
(ج) تخیر واقعی یا قانونی
(د) تخیر در موارد دوران بین محذورین

فصل چهارم: اصل استصحاب

۳۶. استصحاب چیست؟

- (۱) اثبات حکم متیقن برای موضوعی که شک در بقای آن داریم.
- (۲) فرض بقای امر متیقن سابق که در زمان لاحق، مورد شک قرار گرفته است.
- (۳) هرگاه در بقای حکم یا موضوعی تردید شود، بقای آنرا اثبات می کند.
- (۴) یقین سابق و شک لاحق در مورد حکم شرع یا قانون.

۳۷. استصحاب قهقرا یا وارونه آن است که

- (۱) زمان متیقن و زمان مشکوک واحد باشند.
- (۲) زمان مشکوک، مقدم بر زمان متیقن باشد.
- (۳) زمان شک و زمان یقین واحد نباشند.
- (۴) شک لاحق موجب تزلزل در یقین سابق شود.

۳۸. شک ساری وقتی تحقق پیدا می کند که:

- (۱) تردید مکلف در زمان لاحق موجب تزلزل در یقین سابق وی شود.
- (۲) مکلف در حال، نسبت به امری یقین پیدا کرده که در گذشته به آن شک داشته است.
- (۳) مکلف، شک و تردید خود را مقدم بر یقین ساخته و از آن تبعیت کند و به همین جهت شک ساری، مانع جریان استصحاب می باشد.
- (۴) برخلاف استصحاب بوده به معنای عدم توجه به یقین سابق و عمل بر طبق شک موجود است.

۳۹. هرگاه یکی از زوجین مدعی شد که عقد نکاح او دائم بوده و دیگری مدعی نکاح موقت و انقضای مدت باشد، مسأله از لحاظ اصول عملیه چگونه است؟

- (۱) با اجرای اصل عدم، هر دو قسم نکاح منتفی شناخته می شود.
- (۲) با اجرای اصل برائت، آثار عقد دائم از جمله نفقه و ارث، منتفی و نکاح موقت، اثبات می گردد.
- (۳) با وجود علم اجمالی به یکی از دو قسم نکاح هیچ اصلی قابل اجرا نیست.
- (۴) با اجرای اصل استصحاب بقای زوجیت، لوازم و ملزومات شرعی آن از جمله دائم بودن نکاح قابل اثبات است.

۴۰. هرگاه دخول شیء در مبیع، عرفاً مشکوک باشد آن شیء داخل در بیع نخواهد بود. این معنی ناشی از اصل است.

(۱) استصحاب (۲) براءت (۳) تأخر حادث (۴) عدم

۴۱. تفاوت اصل عدم با استصحاب عدمی چیست؟

(۱) اصل عدم از اصول عملیه است اما استصحاب عدمی جنبه اماریت دارد.

(۲) استصحاب عدمی نسبت به اصل عدم، اعم است.

(۳) در استصحاب عدمی، حالت سابق لحاظ می شود اما اصل عدم، توجهی به حالت سابق ندارد.

(۴) تفاوتی میان این دو اصل نیست.

۴۲. دو واقعه مجهول التاریخ، به لحاظ جریان استصحاب در آنها:

(۱) به لحاظ ماهوی با دو واقعه معلوم التاریخ تفاوتی ندارند.

(۲) نمی توانند مشمول استصحاب عدم ازلی باشند.

(۳) مورد جریان استصحاب نیستند، زیرا استصحاب عدم تأخر در یکی معارض است با استصحاب عدم تأخر دیگری.

(۴) اصولاً از شمول ادله استصحاب خارج است، چون ارکان استصحاب در آنها وجود ندارد.

۴۳. هرگاه در نسخ ضمنی قانونی به وسیله قانون دیگر، تردید شود؛ چه اصلی جاری است؟

(۱) استصحاب بقای حکم محتمل المنسوخیه

(۲) اصل اشتغال نسبت به هر دو قانون و لزوم رعایت احتیاط در مسأله

(۳) اصل عدم بقای حکم محتمل المنسوخیه با توجه به احتمال ناسخ

(۴) اصل براءت، نسبت به تکلیفی که قانون محتمل المنسوخیه بر آن دلالت کرده است.

۴۴. در صورت شک در نسخ قانون، چه اصل یا قاعده ای حاکم است؟

(۱) هر دو اصل جاری است. (۲) اصل عدم نسخ قانون، حاکم است.

(۳) استصحاب بقای اعتبار قانون، حاکم است. (۴) اصل براءت، نسبت به تکلیف محتوای آن قانون، حاکم است.

۴۵. هرگاه در اسقاط ذی حق نسبت به حق خود، تردید باشد، استصحاب بقای حق از کدام قسم

استصحاب است؟

(۱) در مورد شک در مقتضی (۲) در مورد شک در وجود رافع

(۳) در مورد شک در رافعیت رافع (۴) از موارد استصحاب کلی

۴۶. استصحاب بقای زوجیت در صورت تردید در وقوع طلاق، چه نوع استصحابی است؟ از نوع

شک در:

(۱) وجود رافع است. (۲) بقای مستصحاب است.

(۳) رافعیّت موجود است. (۴) مقتضی است.

۴۷. اگر در صحت طلاقی تردید شود استصحاب بقای زوجیت، از مقوله شک در مقتضی یا شک

در وجود رافع یا رافعیّت موجود است؟

(۱) از مقوله شک در مقتضی است. (۲) شک در وجود رافع است.

(۳) شک در رافعیّت موجود است. (۴) از هیچ یک از مقولات یادشده نیست.

۴۸. جمله «نافی را نفی کافی بوده و نیازمند اثبات آن نیست» درست است یا خیر؟

(۱) آری، زیرا البینه علی المدعی بوده و مدعی علیه جز سوگند بر او نیست.

(۲) خیر، زیرا هر کس حکمی را نفی کند باید آن نفی را اثبات نماید.

(۳) در موضوعات، آری ولی در احکام باید آن نفی اثبات شود.

(۴) اگر مقصود از نفی، عدم العلم نسبت به وجود و عدم چیزی باشد جمله درست است ولی اگر مقصود، علم به عدم امری باشد جمله درست نیست.

۴۹. ماده ۱۲۵۷ قانون مدنی که می گوید: "هر کس مدعی حقی باشد باید اثبات کند..." ریشه در چه اصلی دارد؟

(۱) استصحاب (۲) اشتغال (۳) صحت (۴) عدم

۵۰. ماده ۸۷۶ قانون مدنی می گوید: "با شک در حیات حین ولادت حکم وراثت نمی شود" مبنای حکم این ماده چیست؟

(۱) اصل عدم (۲) اصل براءت (۳) اصل استصحاب (۴) اصل احتیاط

۵۱. در ماده ۳۵۹۸ ق.م که می گوید: «هرگاه دخول شیئی در مبیع عرفاً مشکوک باشد آن شیء داخل در بیع نخواهد بود مگر آنکه تصریح شده باشد» کدام اصل اجرا شده است؟

(۱) اصل عدم (۲) استصحاب عدمی (۳) استصحاب وجودی (۴) هر سه مورد

۵۲. ماده ۱۹۸ ق.آ.د.م که می گوید: «در صورتی که حق یا دینی بر عهده کسی ثابت شد اصل بر بقای آن است مگر اینکه خلاف آن ثابت شود» مصداق کدام مورد است؟

(۲) ابقاء ماکان

(۱) اصل استصحاب

(۳) لاتنقض الیقین بالشک بل انقضه بیقین آخر (۴) هر سه مورد

۵۳. برابر ماده ۱۹۷ ق.آ.د.م: «اصل برائت است. بنابراین اگر کسی مدعی حق یا دینی بر دیگری باشد باید آن را اثبات کند...» و برابر ماده ۸۷۶ ق.م «با شک در حیات حین ولادت، حکم وراثت نمی شود» درباره این دو ماده، کدام عبارت صحیح است؟

(۱) هر دو ماده مصداق استصحاب وجودی ولی موضوع مورد استصحاب در ماده اولی، پدیده ای حقوقی و در ماده دومی پدیده ای خارجی است.

(۲) ماده اولی مصداق استصحاب وجودی و موضوع مورد استصحاب، پدیده ای حقوقی است و ماده دومی، مصداق استصحاب عدمی و موضوع مورد استصحاب پدیده ای خارجی است.

(۳) ماده اولی، مصداق استصحاب عدمی و موضوع مورد استصحاب، یک پدیده حقوقی است و ماده دومی، مصداق استصحاب وجودی و موضوع مورد استصحاب، پدیده ای حقوقی است.

(۴) ماده اولی، مصداق استصحاب عدمی و موضوع مورد استصحاب، یک پدیده حقوقی است و ماده دومی، مصداق استصحاب عدمی و موضوع مورد استصحاب، پدیده ای خارجی است.

۵۴. با توجه به ماده ۶۶۴ قانون مدنی که می گوید: «وکیل در محاکمه، وکیل در قبض حق نیست مگر اینکه قرائت دلالت بر آن نماید...» کدام عبارت صحیح است؟

(۱) نیابت داشتن، مصداق سلطه و ولایت وکیل بر موکل نبوده و مغایرتی با اصل عدم ولایت ندارد.

(۲) وکالت نداشتن در قبض برای وکیل در محاکمه، مصداق اکتفا به قدر متیقن در مقام تمیز لوازم و مقدمات وکالت است.

(۳) وکالت نداشتن در قبض برای وکیل در محاکمه، ارتباطی به اکتفا به قدر متیقن در مقام تمیز لوازم و مقدمات وکالت نداشته بلکه مستند به اصل عدم سلطه و ولایت است.

(۴) موارد ۱ و ۲ صحیح است.

۵۵. با توجه به ماده ۶۱۲ قانون مدنی که بیان داشته: «امین باید مال ودیعه را به طوری که مالک مقرر نموده حفظ کند». کدام عبارت غلط است؟

- (۱) اگر انجام کار مشخصی بر عهده امین باشد و اختلاف شود که آن اقدام خاص رعایت شده است یا نه، اثبات انجام با امین (متعهد) است، چون اوست که به عنوان مدعی باید دلیل بیاورد.
- (۲) اگر انجام کار مشخصی بر عهده امین باشد و اختلاف شود که آن اقدام خاص رعایت شده است یا نه، اثبات انجام با امین (متعهد) است، چون اوست که به عنوان مدعی باید دلیل بیاورد.
- (۳) اگر انجام کار مشخصی بر عهده امین باشد و اختلاف شود که آن اقدام خاص رعایت شده است یا نه، اثبات انجام با امین (متعهد) است، چون اوست که برخلاف اصل عدم، ادعا می کند.
- (۴) اگر اقدام مشخصی که به عنوان تعهد به نتیجه بر دوش امین نهاده شده است جنبه منفی داشته باشد (یعنی خودداری از انجام کار معین باشد) اثبات تعدی امین بر عهده مالک است، زیرا ادعای مالک با اصل عدم، تعارض دارد و باید اثبات شود.

۵۶. ماده ۱۱۵۸ قانون مدنی می گوید: «طفل متولد در زمان زوجیت ملحق به شوهر است» ماده ۳۲۸ آن قانون نیز می گوید: «هرکس مال غیر را تلف کند ضامن آن است و باید مثل یا قیمت آن را بدهد» هریک از این دو ماده به ترتیب مصداق کدام یک از موارد زیر است؟

- (۱) دلیل قطعی و دلیل ظن (۲) حکم ظاهری و حکم واقع
 - (۳) حکم واقعی و حکم ظاهر (۴) دلیل اجتهادی و دلیل فقهی
۵۷. برابر ماده ۱۱۸۰ ق.م: «طفل صغیر تحت ولایت قهری پدر و جد پدری خود می باشد و همچنین است طفل غیررشد یا مجنون در صورتی که عدم رشد یا جنون او متصل به صغر باشد» قائل شدن به ولایت قهری پدر و جد پدری برای سفیه یا مجنونی که به سن بلوغ رسیده به حکم کدام اصل است؟

- (۱) احتیاط (۲) تخییر (۳) استحباب (۴) اشتغال
۵۸. عقد نکاحی واقع شده است. پس از مدتی شوهر بذل مدت کرده است ولی نمی دانیم نکاح دائم بوده یا موقت. با استحباب نکاح به طور کلی، کدام یک از آثار زیر، مترتب می شود؟

- (۱) فقط توارث و وجوب نفقه. (۲) فقط حرمت ازدواج زن و وجوب نفقه.
- (۳) حلیت تمتع، حرمت ازدواج زن، توارث و وجوب نفقه. (۴) فقط حلیت تمتع و حرمت ازدواج زن.

۶۰. در تعارض اصل استصحاب با اصل تخییر، به ترتیب، کدام اصل بر دیگری مقدم می شود و از

ب) بایی؟

الف) تخییر - حکومت

ب) استصحاب - حکومت

ج) تخییر - ورود

د) استصحاب - ورود

۶۱. در خصوص تعارض قاعده ید با قاعده استصحاب کدام مورد صحیح است؟

الف) استصحاب مقدم است خواه قاعده ید اماره باشد یا اصل

ب) قاعده ید مقدم است اگر اصل باشد.

ج) قاعده ید مقدم است اگر اماره باشد.

د) قاعده ید مقدم است خواه اماره باشد یا اصل

۶۲. به موجب قراردادی، یکی از دو شریک مال غیرمنقول، سهم خود را به ثالث منتقل می کند؛

ولی نمی دانیم بیع بوده یا صلح معوض. چنانچه در مجلس عقد، قرارداد مزبور توسط یکی از

طرفین فسخ شود، کدام مورد صحیح است؟

۱) استصحاب عقد بیع جاری است.

۲) استصحاب عقد به طور کلی جاری است.

۳) قرارداد را باید فسخ شده دانست.

۴) استصحاب عقد صلح معوض، جاری است.

۶۳. شخصی انبار فرش دیگری را به عمد آتش می زند. در صورتی که یقیناً چند تخته فرش در

آن انبار وجود داشته است، ولی اکنون شک داشته باشیم که آ قبل از وقوع آتش سوزی،

فرش های مزبور به انبار دیگری منتقل شده اند یا نه، کدام مورد به کمک استصحاب ثابت

می شود؟

۱) بقای فرش ها تا لحظه آتش سوزی، اتلاف آنها و حکم به ضمان

۲) بقای فرش ها تا لحظه آتش سوزی، اتلاف آنها، حکم به ضمان و حبس

۳) فقط بقای فرش ها تا لحظه آتش سوزی

۴) بقای فرش ها و عمدی بودن عمل آتش زننده

۶۴. درباره استصحاب قهقری (مقلوب)، کدام مورد صحیح است؟

الف) مطلقاً حجت است. ب) فقط در استنباط احکام، حجت است.

ج) مطلقاً حجت نیست. د) فقط در استنباط معانی الفاظ حجت است.

۶۴. بعد از فروش سهم یکی از دو شریک مال غیر منقول، دو حادثه رخ می دهد: اقاله متبایعین و اخذ به شفعه توسط شفیع اگر تاریخ اقاله و اخذ به شفعه مجهول باشد، حصه مبیعه از آن چه کسی است؟

(الف) فروشنده اگر اقاله، معامله نباشد.

(ب) شفیع اگر اقاله، معامله باشد.

(ج) مشتری اگر اقاله، معامله باشد.

(د) شفیع اگر اقاله، معامله نباشد.

۶۵. هر گاه دو معامله تعارض کنند، به گونه ای که تاریخ وقوع یکی از آن دو معلوم و دیگری نامعلوم باشد، دو معامله مزبور چه حکم دارند؟

(الف) معامله ای که تاریخ وقوعش نامعلوم است، باطل می باشد.

(ب) معامله ای که تاریخ وقوعش معلوم است، صحیح می باشد.

(ج) معامله ای که تاریخ وقوعش نامعلوم است، صحیح می باشد.

(د) هر دو باطل می باشند.

۶۶. منظور از «شک» به عنوان یکی از ارکان استصحاب، کدام مورد است؟

(الف) خصوص احتمال مساوی

(ب) وهم و احتمال مساوی

(ج) احتمال مساوی، ظن غیر معتبر و وهم

(د) ظن غیر معتبر و احتمال مساوی

۶۷. به موجب قراردادی، یکی از طرفین، متعهد به انجام کاری در یک بازه زمانی معین شده است. چنانچه متعهد به تعهد خود در بازه مزبور عمل نکند و معلوم نباشد که زمان تعیین شده، قید تعهد بوده یا نه، روابط طرفین چگونه قابل تعلیل است؟

(الف) متعهدله فقط می تواند قرارداد را فسخ کند.

(ب) متعهدله فقط می تواند خسارت بگیرد.

(ج) متعهدله فقط می تواند متعهد را به انجام تعهد الزام کند.

(د) متعهدله می تواند هم الزام متعهد به انجام تعهد را بخواهد و هم خسارت بگیرد.

۶۸. مراد از مقتضی در بحث استصحاب کدام است؟

(الف) استعداد و قابلیت

(ب) مقتضی حکم

(ج) علت

(د) سبب

کتابخانه

کدام مورد باید حکم به تشکیل قرارداد کرد؟

الف) در قرارداد مکاتب های فروشنده به خریدار یک هفته مهلت میدهد تا نامه قبولی را ارسال کند. خریدار نامه مزبور را ارسال می کند ولی معلوم نیست قبل از انقضای مهلت مقرر بوده یا بعد از آن
 ب) بعد از ایجاب فروشنده دو حادثه رخ می دهد: رجوع از ایجاب و قبولی از سوی مخاطب؛ ولی هر دو حادثه مجهول التاریخند.

ج) بعد از ایجاب فروشنده دو حادثه رخ می دهد: قبول ایجاب و رد آن؛ ولی تاریخ رد ایجاب مجهول و تاریخ قبول معلوم است.

د) بعد از ایجاب فروشنده دو حادثه رخ می دهد: ایجاب متقابل از طرف مشتری و قبول بدون قید و شرط؛ ولی تاریخ قبولی بدون قید و شرط مجهول است.

۷۰. دلیل عدم حجیت استصحاب قهقری کدام است؟

الف) تقدم مشکوک بر متیقن ب) تعدد متیقن و مشکوک

ج) وحدت زمان متیقن و مشکوک د) عدم فعلیت شک و یقین

۷۱. در خصوص جمع تبرعی و جمع عرفی، کدام مورد صحیح است؟

الف) جمع تبرعی، جمعی دلبخواهی است که شاهی از لفظ بر آن گواهی نمیدهد، اما جمع عرفی، جمعی است که میان دو یا چند دلیل متعارض با تکیه بر شواهد لفظی موجود در ادله صورت میگیرد.

ب) جمع تبرعی، صرفاً با لحاظ مناسبت حکم و موضوع صورت میگیرد؛ اما در جمع عرفی، تأکید بر معیارهای عرفی خارج از حدود دلالتهای لفظی است.

ج) جمع تبرعی، مربوط به ادله ناظر به بیان امور غیرالزامی است؛ اما جمع عرفی، مربوط به ادله ناظر به بیان احکام الزامی است.

د) جمع تبرعی، مربوط به تعارض دو دلیلی است که دلالت آنها در حد ظهور است؛ اما جمع عرفی، مربوط به تعارض دو نص است.

۷۲. استصحاب قهقرای ناظر به کدام مورد است؟

الف) تقدم زمان متیقن بر زمان مشکوک ب) تقدم زمان مشکوک بر زمان متیقن

ج) تقدم زمان حدوث یقین بر زمان حدوث شک د) تقدم زمان حدوث شک بر زمان حدوث یقین

۷۳. درباره اصل استصحاب و اصل برائت کدام مورد صحیح است؟

الف) هر دو اصل محرز هستند. ب) هر دو اصل غیرمحرز هستند.

ج) استصحاب اصل غیرمحرز و برائت، اصل محرز است.

د) استصحاب اصل محرز و برائت، اصل غیرمحرز است.

۷۴. درستی ضمانت از شوهر نسبت به نفقه ایام آینده زوجه با توجه به اینکه وجود زوجیت در آینده به عنوان سبب دین مشکوک است، با استناد به کدام مورد، قابل توجیه است؟

الف) استصحاب امر استقبالی (ب) قاعده مقتضی و مانع

ج) استصحاب مقلوب (د) قاعده یقین و شک ساری

۷۵. مراد از «مقتضی» در بحث «استصحاب در موارد شک در مقتضی» کدام است؟

الف) سبب حکم (ب) علت حکم

ج) استعداد و قابلیت (د) مقتضی حکم

۷۶. در خیار تبعض صفقه، چنانچه صاحب خیار در زمان اول، خیار خود را اعمال نکند

و سپس تردید به وجود آید که آیا خیار مزبور باقی است یا خیر این شک و تردید مربوط به

کدام مورد زیر است؟

الف) وجود رافع (ب) رافع (ج) رافعیّت امر موجود (د) مقتضی

۷۷. بنابر عدم اعتبار اصل مثبت، کدام یک از آثار زیر، بر مستصحاب بار میشود؟

الف) فقط آثار شرعی و حقوقی بی واسطه

ب) آثار شرعی و حقوقی بی واسطه یا با یک یا چند واسطه شرعی و حقوقی

ج) آثار شرعی و حقوقی بی واسطه یا با یک یا چند واسطه شرعی، حقوقی یا عقلی

د) آثار شرعی و حقوقی بی واسطه یا با یک یا چند واسطه شرعی، حقوقی، عقلی یا عادی

۷۸. قاعده یقین، به کدام دلیل اعتبار ندارد؟

۱) تقدم زمان مشکوک بر متیقّن.

۲) تعدد متعلّق یقین و شک.

۳) عدم وجود شک لاحق.

۴) عدم بقای یقین گذشته.

۷۹. به وسیله استصحاب، کدام یک از آثار زیر ثابت می شود؟

۱) فقط آثار شرعی بی واسطه مستصحاب.

۲) آثار شرعی و غیرشرعی مستصحاب.

۳) فقط آثار شرعی و عقلی بی واسطه مستصحاب.

۴) فقط آثار شرعی بی واسطه مستصحاب و آثار شرعی با واسطه عقلی یا عادی مستصحاب.

فصل پنجم: تعارض اصول و قواعد با یکدیگر

۸۰. نتیجه تعارض اصل استصحاب با اصل برائت چه خواهد بود؟

(۱) استصحاب، مقدم است.

(۲) برائت، مقدم است.

(۳) به لحاظ تعارض، هر دو ساقط می شوند.

(۴) حتی المقدور به هر دو عمل خواهد شد.

۸۱. تقدم استصحاب بر اصل برائت به این دلیل است که استصحاب:

(۱) دلایل اخص از دلیل برائت است.

(۲) آماریت دارد و آماره بر اصل مقدم است.

(۳) اصلاً تقدیمی نداشته بلکه دو اصل متعارضند.

(۴) به دلیل تقدم ادله شرعی بر ادله عقلی است.

۸۲. در تعارض میان اصل استصحاب و اصل تخییر، کدام یک مقدم است؟

(۱) استصحاب، مقدم است.

(۲) اصل تخییر، حاکم است.

(۳) استصحاب وجودی، مقدم و استصحاب عدمی، مؤخر از اصل تخییر است.

(۴) استصحاب حکم عقل، مقدم و استصحاب حکم شرع، مؤخر از اصل تخییر است.

۸۳. در تعارض اصل استصحاب با اصل اشتغال و احتیاط تکلیف چیست؟

(۱) اصل استصحاب در تمام موارد بر اصل اشتغال مقدم است.

(۲) اصل استصحاب در صورتی که موضوع احتیاط را منتفی سازد، مقدم خواهد بود.

(۳) اصل احتیاط در هر مورد، وسیله احراز واقعیت و به تعبیری طریق نجات است.

(۴) حکم به تساقط هر دو اصل کرده و اصل ثالثی بر حسب مورد حاکم خواهد بود.

۸۴. تعارض ظن با اصل استصحاب، چه حکمی دارد؟

(۱) ظن مطلقاً بر اصول، مقدم است.

(۲) ظن خاص و معتبر بر استصحاب مقدم است.

(۳) تعارض ظن با اصل استصحاب، موجب تساقط هر دو می گردد.

(۴) ظنون متعلق به موضوعات، مقدم بر اصل استصحاب است ولی ظنون در ارتباط با احکام، در صورت تعارض،

ساقط می کنند.

۸۵. در تعارض میان «دلیل» و «استصحاب»:

(۱) هر دو ساقط می شوند و باید به اصول و قواعد مراجعه نمود

(۲) دلیل بر استصحاب، مقدم است؛ چون با وجود دلیل، شکی باقی نمی ماند.

(۳) در صورتی که استصحاب مربوط به امر وجودی باشد بر دلیل مقدم است.

(۴) استصحاب در صورتی که مربوط به امر عدمی باشد بر دلیل مقدم است.

۸۶. هرگاه عدم مالکیت ذوالید، در گذشته متیقن باشد، استصحاب عدم مالکیت:

- (۱) جاری نبوده حکم به مالکیت ذوالید فعلی داده می شود.
- (۲) وی شده و حکم به عدم مالکیت داده می شود مگر خلاف آن ثابت گردد.
- (۳) با قاعده ید تعارض پیدا کرده هر دو تساقط نموده باید به موازین دیگر رجوع کند.
- (۴) قاعده ید بعد از تعارض و تساقط از دور خارج شده، در مالکیت و عدم مالکیت ذوالید، متوقف باید ماند.

۸۷. در صورت تردید در مالکیت ذوالید حکم چیست؟

- (۱) اجرای استصحاب عدم مالکیت مطلقاً
 - (۲) اجرای اصل عدم مالکیت ذوالید با وجود مدعی و حکم به مالکیت وی در صورت عدم ادعای متقابل
 - (۳) اجرای اصل عدم مالکیت مطلقاً (۴) اجرای قاعده ید و حکم به مالکیت ذوالید
۸۸. در صورتی که متصرف، اقرار به مالکیت شخص ثالث نسبت به ملک متصرفی خود کند،

تکلیف چیست؟

- (۱) متصرف، مالک شناخته شده و مدعی، محکوم به بی حقی است.
- (۲) طبق اقرار، ملک متصرفی از او خلع و به شخص ثالثی داده می شود.
- (۳) آماره ید با اقرار متصرف، تعارض و تساقط کرده و حکم مسأله از طرق و موازین دیگر باید منظور شود.
- (۴) اصل عدم مالکیت ثالث با اقرار متصرف، تعارض و تساقط کرده و ملک، مجهول المالك اعلام می شود.

۸۹. در صورت شک در مشروعیت تصرف ذوالید، حکم چیست؟

- (۱) استصحاب عدم مالکیت جاری است. (۲) اصل عدم مشروعیت منشأ تصرف، جاری است.
- (۳) طبق قاعده ید، حکم به مالکیت متصرف داده می شود.
- (۴) در صورتی که منشأ تردید، احتمال غیبت باشد استصحاب عدم مالکیت و در غیر اینصورت قاعده ید حاکم است.

۹۰. نسبت قاعده ید با استصحاب عدم مالکیت چیست؟

- (۱) تخصیص (۲) تعارض جزئی (۳) تعارض ظاهری (۴) تعارض کلی

۹۱. اصاله الصّحه در ابواب معاملات به این معنی است که:

- (۱) معاملات اصولاً صحیح انجام شود و در صورت تردید در صحت آن، اصل صحت رعایت نشده است.
- (۲) معاملات اعم از عقود و ایقاعات بر طبق اصاله الصّحه باید دارای تمام شرایط و فاقد همه موانع صحت باشد.

- (۳) اگر در شرطیت امری در صحت یکی از عقود و ایقاعات تردید شود، باید آن شرط رعایت نشود.
- (۴) اگر معامله ای عرفاً واقع شود و تردید باشد که آیا دارای تمام شروط صحت بوده یا نه، باید قائل به صحت شد.

۹۲. اصاله الصّحه، اصل است یا آماره؟ به چه دلیل؟

- (۱) اصل است؛ زیرا در موارد شک، قابل اجرا است.
- (۲) اصل است؛ زیرا کاشف واقعیت مورد خود نمی باشد.
- (۳) آماره است؛ زیرا مبتنی بر سیره عقلا و کاشفیت نوعیه آن است.
- (۴) آماره است؛ زیرا مستفاد از روایات معصومین است.

۹۳. در تعارض اصاله الصّحه در معاملات با استصحاب بقای مالکیت متعاملین نسبت به مال خود، حکم چیست؟

- (۱) هر دو اصل ساقط و حکم مسأله با موازین دیگر باید به دست آید.
- (۲) استصحاب جنبه آماریت دارد و مقدم بر اصل صحت است و باید طبق استصحاب عمل کرد.
- (۳) اصاله الصّحه چون یک حکم شرعی و قانونی است بر استصحاب که حکمی براساس روش عقلا است مقدم است.
- (۴) اصاله الصّحه به دلیل آخص بودن مورد آن از مورد استصحاب مقدم است و گرنه موردی برای اصاله الصّحه باقی نمی ماند.

۹۴. در تعارض اصاله الصّحه در عقدبایع با اصل عدم تأثیر، حکم چیست؟

- (۱) تساقط هر دو اصل و رجوع به اصل ثالث برحسب مورد
- (۲) تقدم اصل عدم تأثیر عقد بر اصاله الصّحه
- (۳) تقدم استصحاب بقای مالکیت بایع نسبت به مبیع
- (۴) تقدم اصاله الصّحه بر اصل عدم تأثیر عقد

۹۵. هرگاه در صحت عقدی تردید شود از طرفی استصحاب حالت قبل از عقد به معنی بطلان و عدم تأثیر آن عقد است و از طرفی اصل صحت در مورد، به معنی صحت و اعتبار عقد است، در

این تعارض حکم چیست؟

(۱) استصحاب بقای حالت سابق، اصل مثبت بوده و معتبر نیست.

(۲) اصل صحت بر استصحاب حالت سابق مقدم است.

(۳) استصحاب بقای حالت سابق بر عقد جاری و مقدم است.

(۴) تعارض دو قاعده موجب تساقط و عدم اعتبار هر دو می باشد.

۹۶. در فرض شک در تحقق توبه ای که مسقط مجازات حدی است:

(۱) استصحاب بقای مجازات، مانع جریان قاعده در آن است.

(۲) قاعده در آن جاری می شود، چون عنوان شبهه که موضوع در آن است، محقق می باشد.

(۳) حکم به بقای استحقاق کیفر که مقتضای حالت سابقه است، نافی شبهه است، پس موردی برای جریان قاعده در آن باقی نمی ماند.

(۴) موارد یک و سه صحیح است.

۹۷. ماهیت اصالة لزوم چیست؟

(۱) آماره لزوم عقد است.

(۲) از اصول لفظی است.

(۳) قاعده کلی متکی به قانون است.

(۴) از ملحقات اصول عملیه است.

۹۸. استصحاب سببی و مسببی در چه موردی پیش می آید؟ در تعارض دو استصحاب هرگاه

(۱) اجرای اصل در یکی از دو مورد تعبداً موجب زوال شک در مورد دیگر گردد.

(۲) اجرای اصل در یکی از دو مورد تعبداً سبب جریان اصل در مورد دیگر شود.

(۳) میان مجاری آنها رابطه سببیت بوده و جریان اصل در مسبب، مانع اجرای آن در سبب گردد.

(۴) میان مجاری آنها رابطه سببیت بوده و حکم به تساقط هر دو اصل گردد.

۹۹. در تعارض میان استصحاب سببی و مسببی چه باید کرد؟

(۱) تساقط دو استصحاب

(۲) استصحاب در سبب، مقدم است.

(۳) استصحاب در مسبب، مقدم است.

(۴) استصحابی که موافق احتیاط باشد، مقدم است.

۱۰۰. در تعارض میان استصحاب سببی و مسببی:

- (۱) استصحاب مسببی مقدم می شود، چون با استصحاب سببی، رابطه طولی دارد.
- (۲) استصحاب سببی مقدم است، چون موضوع شک در استصحاب مسببی را از میان بر می دارد.
- (۳) با توجه به حجّیت هر دو استصحاب، به استصحابی که حالت سابق در آن، زماناً مقدم باشد، عمل می شود چون عدله حجّیت بهتر بر ان صادق می آید.
- (۴) تقدیم یکی بر دیگری، معقول نیست، در نتیجه، هر دو ساقط می شوند و به اصول و قواعد مراجعه می شود.

۱۰۱. بر فرزندی واجب شده نفقه پدر خود را بپردازد، حال تردید داریم که پدر دارا شده یا خیر. استصحاب در مورد عدم تمکن مالی پدر چه نوع استصحابی است؟

- (۱) استصحاب حکم تکلیفی
 - (۲) استصحاب حکم وضعی
 - (۳) استصحاب مسببی
 - (۴) استصحابی سببی
۱۰۲. شخصی مال موکل خود را فروخته است هرگاه در بقای وکالت حین العقد شک نمائیم و در نتیجه در مالکیت برای مشتری شک به وجود آید شک های مزبور، به ترتیب شک است.

- (۱) مؤخر و مقدم
 - (۲) مقدم و مؤخر
 - (۳) مسببی و مسببی
 - (۴) مسببی و سببی
۱۰۳. انتشار قوانین به منظور رعایت کدام یک از قواعد زیر است؟
- (۱) قاعده لاضرر
 - (۲) قاعده فراغ
 - (۳) قاعده دفع ضرر محتمل
 - (۴) قاعده قبح عقاب بلایان

سوالات فصل یازدهم: باب تعارض ادله

۱. در تعارض دو دلیل چه باید کرد؟

- (۱) جمع عرفی، میان متعارضین
- (۲) حاکم کردن قاعده و تساقط دلیلین
- (۳) در تعارض دو حدیث، اصله التخییر و تعارض سایر ادله، قاعده تساقط حاکم است.
- (۴) در تعارض دو دلیل از نوع امارات، تساقط و در تعارض اصول، استصحاب بر دیگر اصول تقدم دارد.

۲. در تعارض ادله متکافی، چه باید کرد؟

- (۱) از همه باید چشم پوشید
- (۲) دلیل حرمت بر دلیل وجوب، مقدم می شود.
- (۳) در تعارض روایات، اصل تخییر و در سایر ادله، تساقط حاکم است.
- (۴) بر حسب اصل تخییر، باید یکی از آنها را مورد عمل قرار داد.

۳. در مورد دو دلیل متعارض تکلیف چیست؟

- (۱) طبق اصل اشتغال باید احتیاط کرده و به هر دو دلیل عمل شود.
- (۲) طبق اصل تخییر، مکلف، مخیر در عمل به یکی از دو دلیل متعارض است.
- (۳) تکلیف مکلف، شرعاً انتخاب یکی از دو دلیل بوده، اما عقلاً و قانوناً هر دو دلیل از اعتبار ساقطند.
- (۴) در صورت وجود مرجح باید به دلیل راجح عمل کرد.

۴. مقتضای قاعده در دو دلیل متعارض:

- (۱) تخییر است، زیرا بنا بر فرض هر دو دلیل دارای شرایط حجیت و اعتبار است.
- (۲) تساقط است، در صورتی که یکی بر دیگری ترجیح نداشته باشد.
- (۳) تساقط است، مطلقاً (۴) تساقط معنای التزامی دو دلیل است، نه معنای مطابقی آن دو.

۵. تعارض ظاهری دو دلیل چیست؟

- (۱) هرگاه محتوای دو دلیل، با یکدیگر در تقابل باشند.
- (۲) هرگاه مدلول هر یک از دو دلیل، مدلول دلیل دیگر را نفی کند.
- (۳) هرگاه محتوای دو دلیل، ظهور در عدم امکان جمع میان آن دو داشته باشد.
- (۴) هرگاه مؤدای دو دلیل متعارض، عرفاً قابل جمع بوده و یا جریان یکی از آنها مانع جریان دیگری شود.

۶. تزامم دو حکم هنگامی است که:

- (۱) دو حکم با یکدیگر متعارض باشند و باید به هم عمل کرد.
- (۲) هر دو مطلوب بوده ولی مکلف، عملاً نتواند به هر دو با هم عمل کند.
- (۳) مکلف در میان دو دلیل که یکی دال بر وجوب و یکی دلالت بر حرمت داشته باشد قرار گیرد.
- (۴) شارع یا قانونگذار نتواند مدلول هر دو دلیل را از مکلف خواستار باشد.

۷. حل تزامم میان دو حکم متزامم:

- (۱) براساس قواعد مقبول در قلمرو تفسیر الفاظ انجام می گیرد.
 - (۲) تابع ملاک اهمیت و اصل تقدیم اهم بر مهم است.
 - (۳) دقیقاً مانند حل تعارض میان دو دلیل متعارض است.
 - (۴) نیازمند استنباط ملاک اهمیت از خصوص الفاظ مربوط به آن دو حکم است.
- ## ۸. در صورت تزامم دو حکم ترک اهم و انجام مهم، چه حکمی دارد؟

- (۱) مهم در برابر اهم، مشروعیت و مطلوبیت خود را از دست خواهد داد.
- (۲) طبق اصالة التخییر، حق انتخاب مساوی دارد.
- (۳) مهم، باز هم مطلوبیت قانونی خود را حفظ می کند.
- (۴) در موارد مختلف باید قائل به تفصیل شد و مرجحات اهم گاهی قوی است که باید مهم را خال از مطلوبیت دانست.

۹. تزامم حکمین در صورتی است که

- (۱) مفاد یکی از دو دلیل، با مفاد دلیل دیگر در تضاد باشد.
 - (۲) امثال دو حکم الزامی موجود، با یکدیگر قابل جمع نباشد.
 - (۳) دوران امر بین وجوب و حرمت امری باشد.
 - (۴) وجود ملاک در یکی از حکمین، مانع و مزاحم وجود ملاک در حکم دیگر باشد.
- ## ۱۰. حالت دو مصوبه مقنن را که بدون وجود تباین بین آن دو در مقام تصویب، در عمل اجرای

هر دو مقدور نباشد، کدام است؟

(۴) ناسخ و منسوخ

(۳) مجمل و مبین

(۲) تعارض (۲) تزامم

۱۱. وکیل دادگستری برای روز و ساعت معین به دو دادگاه دعوت شده است موقعیت مزبور از قبیل است.

(۱) تعارض (۲) تزاحم (۳) تعادل (۴) تضاد

۱۲. در باب «تزاحم» و «تعارض» کدامیک از گزینه های زیر درست است؟

(۱) دو اصطلاح است که به لحاظ ماهوی تفاوتی با یکدیگر ندارند.

(۲) تزاحم مربوط به مقام امتثال تکلیف است و تعارض مربوط به مرحله دلالت دلیل.

(۳) در تزاحم باید به مرجحات رجوع شود، ولی در تعارض باید تکلیف اهم را امتثال نمود. سوال

(۴) تزاحم مربوط به تکالیف الزامی و از نوع واجب و تعارض مربوط به تکالیف الزامی از نوع حرام است.

۱۳. مقصود از «الْجَمْعُ بَيْنَ الدَّلِيلَيْنِ مَهْمَا امْكَنَ اَوَّلَى مِنَ الطَّرْحِ» آن است که:

(۱) در موارد تزاحم باید به تکلیفی که ممکن است عمل کرد.

(۲) در دوران امر بین اقل و اکثر باید تا آنجا که ممکن است فرمان شارع را امتثال نمود.

(۳) جمع عرفی میان دو دلیل متعارض، لازم و بر طرح یکی از آن دو یا هر دو مقدم است.

(۴) در هر حال باید میان دو دلیل متعارض جمع کرد؛ حتی جمعی که شاهی از لفظ بر آن نباشد.

۱۴. قانونی بر حسب وضع، دارای افرادی است. هرگاه بر اثر تصرف در فردی از آن افراد، فرد

مزبور را از شمول قانون خارج سازند، این عمل چه نام دارد؟

(۱) تخصیص (۲) تخصّص (۳) حکومت (۴) ورود

۱۵. هرگاه طبق قانون، امتناع زندانی از بازگشت به زندان، پس از پایان مرخصی، فرار

محسوب شود؛ رابطه این حکم با فرار به معنای حقیقی چه نوع رابطه ای است؟

(۱) تخصیص (۲) تقیید (۳) حکومت (۴) ورود

۱۶. اگر انتقال مال غیر، واجد همه ارکان بزه کلاهبرداری نباشد ولی قانون، مجازات

کلاهبرداری را برای آن در نظر بگیرد، از باب است.

(۱) حکومت (۲) تخصیص (۳) تخصّص (۴) ورود

۱۷. در بحث تعارض ها، اصطلاح ورود به چه معناست؟

- (۱) شمول آن بر کلیه مصادیق آن، ورود گفته می شود.
- (۲) به شمول مطلق بر افراد و مصادیق آن، ورود گفته می شود.
- (۳) تأخر تاریخ صدور یکی از قوانین متعارض بر دیگری، ورود نامیده می شود.
- (۴) به این معنی است که قانون، موضوعی را که خارج از عام است در آن وارد یا موضوعی را که داخل در عام است از آن خارج نماید.

۱۸. تفاوت میان تخصیص و ورود:

- (۱) دقیقاً مانند تفاوت میان حکومت و ورود است.
- (۲) مانند تفاوت میان مخصّص لفظی و مخصّص لّبی است.
- (۳) مانند تفاوت میان عموم و اطلاق است که دلالت یکی لفظی است و دلالت دیگری عقلی و مستند به مقدمات حکمت است.
- (۴) آن است که در تخصیص، خروج افراد از شمول عموم، خروج حقیقی است ولی در ورود، خروج اراد، تبعدی و تنزیلی است.

۱۹. در صورتی که عقد نکاح پس از مقاربت زوجین منحل شده و زن در زمانی ازدواج مجدد کند که طفل متولد از او بتواند به هریک از دو شوهر اوّل و دوم ملحقّ شود مطابق ماده ۱۱۶۰ قانون مدنی، طفل ملحقّ به شوهر دوم خواهد بود مگر آنکه امارات قطعیه برخلاف آن، دلالت کند. این ماده متضمن کدام یک از موارد زیر است؟

- (۱) تراحم دو اماره فراش
 - (۲) اصل تاخر حادث
 - (۳) اصل عدم
 - (۴) هر دو مورد ۱ و ۲
۲۰. هرگاه شخصی زوجه و پدری فقیر دارد که باید مخارج هر دو را مطابق مادّتين ۱۱۰۶ و ۱۲۰۰ قانون مدنی بپردازد ولی تنها مخارج یک نفرشان را می تواند تامین کند. طبق ماده ۱۲۰۳ آن قانون پرداخت نفقه زوجه بر نفقه پدر مقدم است. این وضعیت مصداق چیست؟
- (۱) تعارض واقعی
 - (۲) تعارض ظاهری
 - (۳) تراحم
 - (۴) تخصّص

۲۱. از آنجا که مطابق ماده ۳۹ آیین نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلاء دادگستری، ادای سوگند بعد از حاضر شدن پروانه وکالت یعنی پس از اتمام دوره کارآموزی وکالت انجام می شود، مجازات مربوط به «تخلف از قسم»؛ موضوع بند ۳ ماده ۸۱ آن آیین نامه شامل حال کسی که مشغول گذراندن دوره کارآموزی است نمی گردد. این وضعیت مصداق کدامیک از موارد ذیل است؟

- (۱) خروج تخصصی (۲) خروج تخصصی (۳) حکومت (۴) موارد ۱ و ۳

۲۲. برابر ماده ۵۹۵ قانون مجازات اسلامی، توافق بین دو یا چند نفر مبنی بر دریافت و پرداخت ربا جرم است و طبق تبصره ۳ همان ماده، ربای بین پدر و فرزند یا زن و شوهر، مشمول مقررات این ماده نخواهد بود. بین ماده و تبصره مذکور چه نسبتی وجود دارد؟

- (۱) ورود (۲) حکومت (۳) تخصص (۴) تخصیص

۲۳. ماده ۴۶ قانون مجازات اسلامی مقرر داشته است: «در جرایم قابل تعزیر هرگاه فعل واحد دارای عناوین متعدده جرم باشد، مجازات جرمی داده می شود که مجازات آن اشد است» مجازات قصاص، حدود و دیات نسبت به این حکم چه رابطه ای دارد؟

- (۱) تقیید (۲) ورود (۳) تخصص (۴) تخصیص

۲۴. برابر ماده ۵۹۵ قانون مجازات اسلامی، توافق بر دریافت مبلغی زائد بر مبلغ پرداختی، ربا محسوب و جرم شناخته می شود اگر با نپرداختن دین در موعد مقرر در نتیجه تقصیر بدهکار و از باب تسبیب، ضرری بر طلبکار وارد شده و این مبلغ را که مشارلیه از باب تاخیر تادیه از مدیون اخذ می کند مصداق «مازاد بر بدهی» و «ربا» ندانیم، این موضوع نمونه ای از است.

- (۱) خروج تخصصی یا حکم (۲) خروج تخصصی نه موضوع
(۳) خروج تخصصی یا موضوعی (۴) خروج تخصصی یا موضوعی

۲۱. برابر ماده ۱۰۱۰ ق.م. «اگر ضمن معامله یا قراردادی طرفین معامله با یکی از آنها برای تعهدات حاصله از آن معامله، محلی غیر از اقامتگاه حقیقی خود انتخاب کرده باشد نسبت به دعاوی راجعه به آن معامله همان محلی که انتخاب شده است اقامتگاه او محسوب خواهد شد.» و برابر ماده ۷۸ ق.آ.د.ک هر یک از اصحاب دعوا یا وکلای آنان می توانند محلی را برای ابلاغ اوراق اختاریه و ضمایم آن در شهری که مقر دادگاه است، انتخاب نموده به دفتر دادگاه اعلام کنند.» ماده ۷۸ ق.آ.د.م نسبت به ماده ۱۰۱۰ ق.م. مصداق است.

(۲) حاکم (۳) مشخص (۴) مقید (به کسر یاء)

(۱) وارد

۲۶. ماده ۹۵۶ قانون مدنی، مرگ طبیعی را پایان اهلیت استحقاق انسان شمرده است ولی ماده ۱۰۱۸ همان قانون، تاریخ صدور حکم موت فرضی را (در مورد غایب مفقودالخبر) پایان آن اهلیت شمرده است. رابطه ماده ۱۰۱۸ نسبت به ماده ۹۵۶ قانون مزبور مصداق کدام مورد است؟

(۱) حکومت (۲) ورود (۳) تخصیص (۴) تخصیص

۲۷- در فرض تزامن دو یا چند حکم، معیار ترجیح کدام است؟

(۱) نزدیک بودن حکم به واقعیت

(۲) تقدم زمان صدور حکم

(۳) تخییر به طور مطلق

(۴) اهمیت حکم

۲۸- در خصوص جمع دلالتی (عرفی) و تبرعی، کدام مورد صحیح است؟

(۱) جمع عرفی بر خلاف جمع تبرعی، بر پایه شاهد و قرینه لفظی صورت می گیرد.

(۲) جمع تبرعی و عرفی، به یک معنی هستند.

(۳) جمع تبرعی، مربوط به احکام غیرالزامی و جمع عرفی، مربوط به احکام الزامی است.

(۴) کاربرد جمع تبرعی، در احکام مدنی و کاربرد جمع دلالتی، در احکام کیفری است.

۲۹- در کدام مورد، تعارض حتی از نوع غیرمستقر آن نیز وجود ندارد؟

- (۱) یکی از دو دلیل، حاکم یا وارد بر دلیل دیگر باشد.
- (۲) یکی از دو دلیل، قطعی و یقینی و دیگری ظنی باشد.
- (۳) بین دو دلیل، نسبت عام و خاص برقرار باشد.
- (۴) بین دو دلیل، نسبت مطلق و مقید برقرار باشد.

۳۰- دو نسخه متعارض از یک قرارداد، درباره تعهد معینی وجود دارد. یکی از قراردادها، دلالت روشنی بر موضوع تعهد دارد، اما شائبه اکراهی بودن آن هم در میان است. قرارداد دیگر، فاقد شائبه اکراهی بودن است، اما دلالت آن بر موضوع تعهد، مبهم می‌باشد. کدام مورد زیر در خصوص این دو قرارداد، صحیح است؟

- (۱) یکی از قراردادها، دارای مرجح جهت صدور و دیگری، دارای مرجح دلالتی است.
- (۲) هر دو قرارداد، مرجح جهت صدور را دارند، ولی یکی از آنها دارای مرجح دلالتی نیز هست.
- (۳) هر دو قرارداد، دارای مرجح مضمونی و جهت صدور یکسان هستند.
- (۴) یکی از قراردادها، دارای مرجح مضمونی و دیگری، دارای مرجح سندی است.

۳۱- کدامیک، از مرجحات باب تراحم نیست؟

- (الف) تقدم حق الناس بر حق الله
- (ب) تقدم واجب مضیق بر واجب موسع
- (ج) تقدم واجب عینی بر واجب کفایی
- (د) تقدم حکم ثانوی بر حکم اولی

۳۲- بند ۱ ماده ۵۳ قانون آیین دادرسی مدنی، الصاق تمبر را به دادخواست، در حین تقدیم دادخواست لازم میداند، ولی بند ۱۴ ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت ... مقرر می‌دارد که اگر قیمت خواسته در دعاوی مالی در موقع تقدیم دادخواست مشخص نباشد، مبلغی تمبر الصاق و بقیه هزینه دادرسی بعد از تعیین خواسته و صدور حکم دریافت میشود. نسبت بند ۱۴ ماده ۳، به بند ۱ ماده ۵۳ چیست؟

- (الف) حکومت دارد.
- (ب) مخصّص لبی است.
- (ج) ورود دارد.
- (د) مخصّص منفصل است.

۳۳- مطابق اصل ۳۶ قانون اساسی: «حکم به مجازات و اجرای آن باید از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد». همچنین برابر اصل ۱۶۷ قانون اساسی: «قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر. حکم قضیه را صادر نماید...».

الف) ورود ب) تخصیص ج) حکومت د) تخصص

۳۴- تقدم ماده ۱۲۸۱ ق م بر ماده ۱۲۷۵ از کدام باب است؟
ماده ۱۲۸۱ ق م: «قید دین در دفتر تجار به منزله اقرار کتبی است»
ماده ۱۲۷۵ ق م: «هر کس اقرار به حقی برای غیر کند ملزم به اقرار خود خواهد بود»

الف) ورود ب) تخصص ج) تخصیص د) حکومت

۳۵- مطابق اصل ۷۷ ق ا عهد نامه ها مقاولنامه ها قراردادهای و موافقت نامه های بین المللی باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد براساس نظریه تفسیری شورای نگهبان قراردادهایی که برای انجام معامله با شرکتهای خارجی دارای شخصیت حقوقی منعقد می شود خود به خود مشمول اصل ۷۷ ق ا نبوده یعنی قرارداد بین المللی محسوب نمی شود... و نیاز به تصویب مجلس ندارد...

بنابراین اینگونه قراردادها از کدام باب از اصل ۷۷ ق ا خارج است؟

الف) ورود ب) حکومت ج) تخصیص د) تخصص

۳۶- تقدم ماده ۱۵۸ ق م بر ماده ۱۵۷ ق م از کدام باب است؟

ماده ۱۵۷ ق م: «هرگاه دو زمین در دو طرف نهر محاذی هم واقع شوند وحق تقدم یکی بر دیگری محرز نباشد و هر دو در یک زمان بخواهند آب ببرند و آب کافی برای هر دو نباشد باید برای تقدم و تأخر در بردن آب به نسبت حصه قرعه زده و اگر آب کافی برای هر دو باشد به نسبت حصه تقسیم می کنند».

ماده ۱۵۸ ق.م: «هرگاه تاریخ احیای اراضی اطراف رودخانه مختلف باشد زمینی که احیای آن مقدم بوده است در آب نیز مقدم می شود بر زمین متاخر در احیا، اگر چه پایین تر از آن باشد»

الف) تخصص ب) ورود ج) حکومت د) تخصیص

۳۷- قاعده تقدیم اهم بر مهم مربوط به کدام مورد است؟

الف) افراد واجب مخیر (ب) دو حکم متزاحم

ج) دوران بین محذورین (د) دو دلیل متعارض

۳۸- در خصوص جمع تبرعی و جمع عرفی، کدام مورد صحیح است؟

الف) جمع تبرعی، جمعی دلبخواهی است که شاهی از لفظ بر آن گواهی نمیدهد، اما جمع عرفی،

جمعی است که میان دو یا چند دلیل متعارض با تکیه بر شواهد لفظی موجود در ادله صورت میگیرد.

ب) جمع تبرعی، صرفاً با لحاظ مناسبت حکم و موضوع صورت میگیرد؛ اما در جمع عرفی، تأکید بر

معیارهای عرفی خارج از حدود دلالتهای لفظی است.

ج) جمع تبرعی، مربوط به ادله ناظر به بیان امور غیرالزامی است؛ اما جمع عرفی، مربوط به ادله ناظر

به بیان احکام الزامی است.

د) جمع تبرعی، مربوط به تعارض دو دلیلی است که دلالت آنها در حد ظهور است؛ اما جمع عرفی،

مربوط به تعارض دو نص است.

۳۹- تفاوت باب تعارض و تزاحم، در کدام مورد است؟

الف) در باب تعارض، دو دلیل مطلقاً حتی در صورت ترجیح یکی بر دیگری از اعتبار ساقط میشوند،

ولی در تزاحم، همواره تکلیف اهم مقدم میشود.

ب) در باب تزاحم، معیار شناسایی حکم اهم از مهم، عقلی و بدیهی است، ولی در باب تعارض،

معیارهای ترجیح، مبهم و اختلافی است.

ج) در تعارض، دلالت دلیل، مجمل است؛ ولی در باب تزاحم، دو حکم که ضرورتاً یکی اهم و دیگری

مهم است، با هم تزاحم مینمایند.

د) در تعارض ناسازگاری در ناحیه دلالت دو یا چند دلیل است؛ ولی در تزاحم، مشکل در ناحیه اجرا

و امثال حکم است.